

۲ کشته و یک مجروح در حادثه ریزش سقف سوپر مارکت در مشهد



معاون عملیات آتش نشانی مشهد از وقوع حادثه تخریب سقف یک سوپر مارکت در بولوار توس و جان باختن ۲ دختر نوجوان و نجات یک زن توسط آتش نشانان خبر داد. به گزارش روابط عمومی سازمان آتش نشانی مشهد، آتشباد دوم مسعود ظهوریان افزود: با توجه به حساسیت موضوع بلافاصله بیش از ۳۵ نفر از آتش نشانان و نجاتگران ایستگاه های ۵۰ و ۳۶ و ۷ و ۱۴ و ۲۳ و ۴۹ و ۸ به همراه دو دستگاه جرثقیل آتش نشانی به محل حادثه درتوس ۱۲۱ اعزام شدند. وی افزود: به دلیل نامعلومی سقف یک فروشگاه مواد غذایی به صورت کامل فرو ریخته و این حادثه به مجبوس شدن سه خانم در داخل یک مغازه خواربار فروشی منجر شده است که پس از دقایقی آتش نشانان موفق به نجات یک زن از زیر آوار شدند. در ادامه پیکر بی جان ۲ دختر ۱۳ و ۸ساله که به دلیل شدت حادثه و آوار در همان دقایق اولیه جان خود را از دست داده بودند از زیر خروارها خاک توسط آتش نشانان خارج شد. همه این افراد اعضای یک خانواده اندو محل حادثه نیز متعلق به خودآنان بوده است.

راننده تانکر زنده در آتش سوخت

توکلی تانکر حامل سوخت گازوئیل در محور جویبار– کرمان آتش گرفت و راننده آن زنده در شعله های آتش سوخت. به گزارش خراسان، سخنگوی سازمان آتش نشانی کرمان در این باره گفت: ساعت ۱۳:۴۳ عصر سه شنبه، واژگونی و حریق یک دستگاه تانکر حمل ویژه سوخت های نفتی در محور جویبار–کرمان به سامانه ۱۲۵ سازمان آتش نشانی گزارش شد. جهانشاهی افزود: بلافاصله ۲۰ آتش نشان با پنج دستگاه خودروی آتش نشانی از سه ایستگاه به محل حادثه اعزام شدند و حدود ۱۵ دقیقه اطفا ی حریق به طول انجامید.

روز گذشته در زندان مرکزی مشهد

«برادران برمودایی» اعدام شدند

سجاد پور – دو برادر که از سرکردگان باند مخوف معروف به «برمودا» بودند سحرگاه دیروز در زندان مرکزی مشهد به دار مجازات آویخته شدند. به گزارش خراسان، این دو برادر با همدستی دیگر اعضای باند و در پوشش مسافر کش، زنان و دختران را سوار بر خودرو می کردند و با کشاندن به حاشیه شهر، مورد تجاوز به عنف قرار می دادند. اعضای باند بعد از این که با تهدید چاقو و قمه به نیت شیطانی خود می رسیدند اموال و طلا و جواهرات

در جلسه دیروز هیئت عمومی دیوان عالی کشور انجام شد

مهر تایید دیوان عالی بر ۵، ۶ سال حبس نجفی



پرونده محمدعلی نجفی شهر دارپیشین تهران در جلسه دیروز هیئت عمومی دیوان عالی کشور با حضور دادستان کل کشور و رئیس دیوان عالی کشور تعیین تکلیف شد و از میان آرای ۶۶ قاضی دیوان عالی کشور، ۳۹ قاضی رای دادگاه کیفری و ۲۷ قاضی رای شعبه ۴۱ دیوان عالی کشور را تایید کردند؛ بنابراین مهر تایید دیوان عالی کشور بر عمدی بودن قتل میتر ا ستاد زده شد. به گزارش رکننا، رئیس دیوان عالی کشور دیروز در ابتدای جلسه هیئت اصراری دیوان عالی کشور اظهار کرد: پرونده مطروحه ویژگی خاصی ندارد مثل تمام پرونده هایی است که به صورت اصراری در هیئت عمومی دیوان عالی کشور مطرح می شود. مرتضوی مقدم افزود: پرونده آقای نجفی چندین مرتبه بین دادگاه و دیوان مورد اختلاف قرار گرفت و به همین دلیل جلسه دیوان برای تعیین تکلیف آن برگزار شد. وی افزود: پرونده حاضر شاکی خصوصی ندارد و از حیث این که مسئله قصاص منتفی است جنبه عمومی این جرم امروز تعیین تکلیف می شود.

■ اظهارات دادستان کل کشور

به گزارش ایرنا دادستان کل کشور در این نشست گفت: قتل عمد است و با توجه به گذشت اولیای دم، فقط از حیث جنبه عمومی جرم آن را تعیین تکلیف می کنیم. حجت الاسلام والمسلمین منتظری افزود: اولین مولفه ای که بین قاتل و مقتول در این

به شهرهای شمالی در تنگراه به دام انداختند. بررسی هانشان داد: اعضای باند که از یک زن به نام افسانه نیز برای ارتکاب جرم استفاده می کردند به زنان و دختران زیادی تجاوز کرده اند. طبق اعترافات متهمان از ۳۶ فقره تجاوز به عنف ۱۰ فقره آن در مشهد رخ داده بود. با تشکیل جلسات محاکمه، چند نفر از اعضای باند به اعدام محکوم شدند که رای دو برادر سپیده دم روز گذشته با فراهم شدن مقدمات اجرای حکم در معاونت اجرای احکام دادسرای عمومی و انقلاب مشهد و در زندان مرکزی به اجرا درآمد. مشروح ماجرای باند مخوف «برمودا» روز گذشته در صفحه حوادث روزنامه خراسان به چاپ رسید.

در جلسه دیروز هیئت عمومی دیوان عالی کشور انجام شد

قانون مجازات اسلامی به لحاظ تعدد جرم به شش سال و نیم حبس محکوم شده که بند خ ماده ۱۲ قانون کاهش مجازات های تعزیری که به تازگی تصویب شده چنین اعلام کرده که در صورت وجود کیفیات مخففه و گذشت شاکی بحث تعیین مجازات های تشدید ی در باب تعدد جرم اعمال نمی شود؛ یعنی مجازات شش سال و نیم حبس قابل اجرا نیست و همان قانون به افراد محکوم اجازه داده مراتب را از دادگاه تقاضا کنند تا نسبت به تخفیف مجازات بر طبق قانون اقدام شود و ما آن را انجام می دهیم تا در نهایت مجازاتی کمتر از سه سال حبس قابل اعمال باشد. حمیدرضا گودرزی افزود: دیگر این که آقای نجفی اسلحه شخصی خود را به اداره آگاهی تقدیم کرده و محکومیت در باب اسلحه با قانون تعارض دارد که نسبت به آن تقاضای اعاده دادرسی خواهیم کرد. وی گفت: موکلم اکنون در زندان است، اما شاید بتواند تقاضای مرخصی کند. بر اساس این گزارش، نجفی شهر دارپیشین تهران، هفتم خرداد سال گذشته، میتر ا ستاد همسر دوم خود را به ضرب دو گلوله در منزل خود واقع در منطقه سعادت آباد تهران به قتل رساند و عصر آن روز با حضور در پلیس آگاهی تهران به قتل اعتراف و دلیل آن را اختلافات خانوادگی بیان کرد. نجفی قبلا به اتهام قتل عمد و از جنبه عمومی جرم، از سوی شعبه ۹ کیفری یک تهران، به ۶ سال و نیم حبس محکوم شده بود.

حوادث

خودم را فریب دادم!

هیچ گاه تنهایی نمی گذارد. خلاصه با همه این حرف های پوچ و فریب دهنده خودم را قانع کردم تا با او ازدواج کنم، اما بعد از سه سال زندگی مشترک روزی فهمیدم که یوسف از دو سال قبل دختری کم سن و سال را به عقد خودش درآورده است و من از این موضوع بی خبر بودم. زمانی که از ازدواج پنهانی همسر مطلع شدم چند ساعت گریه کردم و اشک ریختم. به یوسف گفتم از دواج حق تو بود و من می دانستم تورو ری مرا رها می کنی! می دانستم من فقط طعمه ای برای هوسرانی های توهستم اما اکنون ناراحتم که چرا از دواجت را پنهان کردی؟! با این حال، یوسف باز هم مدعی شد که مرا دوست دارد و با وجود بیماری صعب العلاج رایم نمی کند. باز هم او با حرف هایش مرا فریب داد. من هم مجبور شدم خانه ای را که یک زیرزمین نمورو تاریک است به مبلغ ۱۰ میلیون تومان رهن کنم. آن روز طلاهایم را فروختم و پول اجاره را نیز با دستمزد کارگری می برداختم فقط به این امید که سایه یک مرد بالای سرم باشد به زندگی بایوسف ادامه دادم. اوسیرتاپیاز گذشته مرا می دانست. من حتی کارت بانکی ام را در اختیارش گذاشته بودم ولی درباره همسرم چیزی نمی دانستم و از حقوق دریافتی اش خبر نداشتم و تازه فهمیدم که دوواحد آپارتمان دارد. وقتی متوجه شدم یوسف آن دختر نوجوان را فریب داده و حتی برای جهیزیش لوازم دست دوم خریده است، دیگر طاقت نیاوردم و تصمیم گرفتم آن دختر بی گناه را آگاه کنم یوسف وقتی ماچرا را فهمید، دوباره سعی کرد مرا خام کند تا نامزدش بویی از ماجرای ازدواج با من نبرد ولی من راضی نشدم آینده آن دختر ناپودشود. در همین حال همسر برای آن که مرا تحت فشار بگذارد، از بنگاه املاک مبلغ رهن منزل مرا گرفته است چرا که من قولنامه را به نام او ثبت کرده بودم تا دیگران بدانند که یوسف همسر من است. اکنون در حالی پول و سرمایه یک زن بی پناه را بالا کشیده است که من حاضر شدم خودم بار دیگر طعم تلخ طلاق را بچشم اما باز ندگی یک دختر بیچاره بازی نکنم. با وجود این کاش از همان روز آشنایی به این ماجراهای اندیشیدم و خودم را با حرف های پوچ و بی ارزش قانع نمی کردم و... شایان ذکر است، به دستور سرهنگ محسن باقی زاده حکاک پرونده این زن جوان در دایره مشاوره و مددکاری اجتماعی کلانتری میرزا کوچک خان مشهد مور دبرسی های کارشناسی قرار گرفت.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی